



قطعه نامه پایانی کنوانسیون سراسری ایرانیان برای دموکراسی

19 بهمن 1392

در آستانه سی و پنجمین سالگرد قیام ضد سلطنتی، اولین کنوانسیون سراسری ایرانیان در خارج از کشور در 19 بهمن 1392 در پاریس، با حضور نمایندگان بیش از 300 انجمن و تشکل از سراسر جهان که طیف وسیعی از روشنفکران، فعالان سیاسی و حقوق بشری، فعالان حقوق زنان، دانشمندان، کارشناسان، و صاحبان مشاغل و حرفه های مختلف، دانشجویان و همچنین اقلیت های قومی و مذهبی را در بر میگیرد برگزار شد.

کنوانسیون با در نظر گرفتن کارنامه ننگین 35 سال حاکمیت رژیم ولایت فقیه از جمله:

- اعدام 120 هزار زندانی سیاسی و شکنجه صد ها هزار زندانی دیگر،
- سرکوب زنان و محروم کردن آنها از حقوق بنیادین شان
- تبعیض و سرکوب مستمر اقلیت های قومی و مذهبی و اعمال قوانین ضد انسانی تحت پوش مذهب
- افزایش سرکوب از جمله اعدام های جمعی و خودسرانه در دوران آخوند روحانی شامل بیش از 500 اعدام طی شش ماه
- فرار مغزهای کشور بدلیل سیاست های سرکوبگرانه و نابود کردن بخش عمده ای از طبقه متوسط ایران
- نابودی اقتصاد کشور و سرمایه های عظیم آن و از جمله به تاراج دادن منابع کشور برای کسب سلاح هسته ای
- فساد فراگیر رژیم و چپاولهای میلیاردی، از جمله فساد 87 میلیارد یورویی و انتقال غیر قانونی ارز به ترکیه ؛
- بحران درونی رژیم و پیامدهای روی کار آمدن آخوند روحانی و تشدید مخاصمات درونی رژیم
- عقب نشینی ناگزیر و از سر استیصال رژیم از پروژه تولید سلاح اتمی و بارز شدن آثار زهر در درون رژیم
- تشدید مداخله جنگ افروزانه و تروریستی رژیم در سوریه و عراق و استمرار صدور تروریسم و تامین مالی گروه های تروریستی برخلاف منافع مردم ایران و صلح و امنیت منطقه ای و جهانی

- قتل عام و اعدام جمعی مجاهدان در اشرف در 10 شهریور و حملات موشکی به لیبرتی با کمک و از طریق حکومت دست نشانده اش در عراق
- توطئه های گسترده سیاسی و هیستری اطلاعات آخوندی علیه مقاومت ایران و رهبری آن که به موازات بحرانهای لاعلاج رژیم در ماههای اخیر ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته است

کنوانسیون اعلام می کند:

1. مردم ایران خواهان سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار یک نظام جمهوری، دمکراتیک و مبتنی بر جدایی دین از دولت هستند که همه آزادیهای فردی و سیاسی در آن مورد احترام باشد. از نظر مردم ایران، تنها راه برای استقرار دمکراسی، آزادی و رشد اقتصادی، سرنگونی رژیم آخوندی با همه جناح های درونی آن است.
2. رژیم آخوندی برخلاف تبلیغات رسمی و دعاوی لابی های آن که تلاش می کنند آنرا قدرتمند معرفی کنند، به غایت آسیب پذیر و تغییر آن در دسترس است. ما به همه دولت هایی که تحت عنوان سیاست واقعی از این رژیم حمایت و تلاش می کنند به آن مشروعیت بدهند، دوران پایانی شاه را یادآوری می کنیم که آنرا «جزیره ثبات» می نامیدند و تاکید میکنیم جامعه ایران در یک وضعیت انفجاری و رژیم آخوندی در موقعیت سرنگونی قرار دارد.
3. روحانی رییس جمهور جدید رژیم بخشی از رژیم ولایت فقیه است که در همه جنایات آن از روز اول دست داشته است. رسالت او حفظ نظام و ممانعت از سرنگونی آن بدست مردم است. او روز 3 فوریه در دیدار با شکنجه گران وزارت اطلاعات گفت در ایران "تنها یک پرچم و یک پرچمدار وجود دارد" و آن خامنه ای است و "همه باید تحت لوای همان پرچم حرکت کنند و اینکه پرچم دیگری در کشور باشد نه عقلی است و نه شرعی".
- همکاری دولتهای خارجی با این رژیم به بهانه تقویت مدره های موهوم و نادیده گرفت خواست مردم برای تغییر رژیم، کمک رسانی به سرکوب و علیه مصالح مردم ایران است و بر روابط آینده ایران با این کشورها تاثیر خواهد داشت.
4. آخوندها در محاصره بحرانهای داخلی و اقتصادی و تحریمهای بین المللی و در وحشت از قیام عمومی توافقنامه ژنو را پذیرفت و یک قدم از پروژه های اتمی عقب نشست. ما ضمن هشدار به هرگونه امتیاز دادن به رژیم در مراحل بعدی تاکید میکنیم تنها با یک سیاست قاطع شامل تشدید تحریمها، اجرای قطعنامه های شورای امنیت، اعمال پروتکل الحاقی و بازرسی های سرزده و تعطیلی تمامی سایتها هسته ای، می توان تروریستهای حاکم بر ایران را از دسترسی به بمب اتمی باز داشت.
5. ما حمایت فعال رژیم ایران از دیکتاتوری خون ریز سوریه و کشتار مردم این کشور و دخالت های آن در عراق و لبنان و یمن و دیگر کشورهای منطقه و ایجاد گروه های تروریستی و حمایت از آنها را قویا محکوم می کنیم. رژیم برای بقای رژیمش بیش از هر زمان به صدور بنیادگرایی و تروریسم در منطقه نیاز دارد.
6. ما سکوت جامعه جهانی بخصوص آمریکا، اروپا و ملل متحد در مقابل نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر در ایران را محکوم

نموده و تاکید می‌کنیم مساله مردم ایران و منطقه با این رژیم تنها در مساله اتمی خلاصه نمی‌شود و چشم بستن بر نقض حقوق بشر و صدور تروریسم، استقبال از فاجعه و غیر قابل قبول است. این رژیم نه تنها علیه مردم ایران بلکه تهدیدی برای صلح و امنیت در منطقه و جهان است. لذا جامعه جهانی به جای کمک به این رژیم باید در کنار مردم ایران و خواست مشروع آنها برای سرنگونی رژیم بایستد.

7. ما حمایت از شورای ملی مقاومت ایران بعنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک رژیم آخوندی و حمایت از برنامه ده ماده ای خانم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا، را لازمه سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار یک نظام دمکراتیک در ایران میدانیم. شورا به مثابه دیرپاترین ائتلاف تاریخ ایران که در برگزیده تمایلات مختلف سیاسی و قومی و مذهبی و سازمان مجاهدین خلق ایران با ریشه های عمیق و پایگاه گسترده آن در جامعه ایران و بعنوان آنتی تز بنیادگرایی اسلامی، قادر به انتقال آرام قدرت به مردم در فردای سرنگونی رژیم آخوندی است.

8. با ادای احترام به شهدای حماسه 10 شهریور مجاهدین در اشرف، ما اعلام می‌کنیم که مجاهدان لیبرتی سرمایه عظیم مردم ایران در مبارزه با فاشیسم مذهبی و برای دست یابی به دمکراسی و حاکمیت مردم هستند. بهمین دلیل رژیم آخوندی با تمام توان تلاش می‌کند آنها را نابود کند و همزمان با شیطان سازی توسط عوامل خود، زمینه های کشتار آنها را فراهم نماید. از همین رو دفاع از آنها یک وظیفه ملی برای همه ایرانیان آزاده است. ما نقض تعهدات ملل متحد و دولت آمریکا در قبال حفاظت ساکنان را محکوم می‌کنیم. ما از ملل متحد، آمریکا و کشورهای اروپایی خواهان آزادی گروگانهای اشرفی، انتقال موقت ساکنان لیبرتی به آمریکا و اروپا به عنوان پناهندگان سیاسی، تأمین الزامهای مبرم امنیتی در برابر حملات موشکی، استقرار پست مراقبت شبانه روزی ناظران ملل متحد و یک تیم کلاه آبی در داخل لیبرتی، ارجاع تحقیقات در باره قتل عام اشرف، به دادگاه جنایی بین المللی توسط شورای امنیت ملل متحد و فروش اموال اشرف توسط نماینده قانونی ساکنان هستیم.

9. رژیم آخوندی که با شکنجه و اعدام در داخل ایران و با براه انداختن حمام خون در اشرف و لیبرتی نتوانسته بر مقاومت عادلانه و مشروع ایران و به تبع آن بر بحران سرنگونی غلبه کند، از اوایل 1392، با بکار گرفتن مزدوران شناخته شده و ناشناخته اش، به قیمت سوزاندن آنها و با به خدمت گرفتن تفاله ها و واخوردگان سیاسی و با هزینه های کلان و همکاری پاره ای از سرویسهای خارجی، بنحو هیستریکی به توطئه گری و لجن پراکنی علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران و بطور خاص آقای مسعود رجوی رهبر مقاومت پرداخت. این کارزار شیطانی که برای قتل عام و اعدام جمعی مجاهدان در اشرف نیز زمینه سازی می‌کرد از یک سو بخوبی نشان داد که مشکل اصلی رژیم و درد بی درمان آن که سایر مشکلات در حول ارتباط با آن خصلت سرنگون کننده پیدا می‌کند، مقاومت ایران و رهبری آن است. از سوی دیگر درونمایه ارتجاعی و متعفن کسانی که در لباس اپوزیسیون، مدعی فقدان دمکراسی در درون مجاهدین و شورای ملی مقاومت میشدند را

بر ملا کرد و نشان داد که در هرزه دریایی و یاوه گویی علیه مقاومت ایران، دست پاسدار شریعتمداری و لات و لومپنها و شعبان بی مخهای خامنه ای را از پشت می بندند. این کارزار شیطانی در جامعه ایرانیان خارج از کشور با نفرت و انزجار عمومی مواجه شد و به تعمیق مرزبندی با رژیم آخوندی و دنبالچه هایش منجر شد. این گونه محافل و افراد که شمار آنها در هر کشور از انگلستان دست تجاوز نمی کند تماما مطرود و منفور جامعه ایرانیان هستند و بعنوان نمایندگان و شعب اطلاعات آخوندی به آنها نگاه میشود.

10. مقابله با توطئه اطلاعات آخوندی که تشکل ها و انجمن های شرکت کننده در این کنوانسیون در یکسال گذشته فعالانه در آن شرکت داشتند جزء ضروری مبارزه برای سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار دموکراسی و حاکمیت مردمی در ایران است و شرکت در آن یک فرصت تاریخی برای همه ما بود. ما اعلام می کنیم که مقابله با عوامل و خدمتگذاران فاشیسم دینی حاکم بر ایران که مقاومت ایران و رهبری آن را هدف قرار داده اند، یک وظیفه ملی و میهنی برای هر ایرانی آزادیخواه فارغ از تمایلات سیاسی و عقیدتی او است.

11. تشکلهای ایرانی در خارج کشور که نمایندگان آنها در کنوانسیون حضور داشتند، در برگیرنده هزاران متخصص، دانشمند، پزشک، استاد، اندیشمند و مدیران برجسته هستند که بهترین سرمایه برای ساختن ایران فردا می باشند. ما دوش به دوش متخصصان شریف در داخل ایران که خود را به لوث این رژیم قرون وسطایی آلوده نکرده اند، توانایی بازسازی میهنمان را که در 35 سال حاکمیت آخوندها به نابودی کشیده شده است را داریم و آن را وظیفه ملی خود میدانیم.

کنوانسیون سراسری جوامع ایرانی

پاریس 19 بهمن 1392